روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران، خیابان آفریقا، بلوار گلشهر، پلاک ۴۶
تحریریه: ۳۳-۲۲۰۳۸۰۲۴ نمابر: ۲۲۰۳۴۵۱۵
سازمان آگهی ها: ۲۲۰۵۷۰۹۰ (خط ویژه)- نظارت بر توزیع: ۶۶۹۵۸۶۱۰
سازمان نیازمندی ها: ۲۲۰۱۴۰۱۰ (خط ویژه)، امور مشترکین- تلفن: ۲۰-۶۶۹۷۱۱۱۹
نمابر: ۶۶۴۰۴۱۶۵، امور فنی، آتلیه و لیتوگرافی: روزنامه شرق
چاپ: ■ افست: کیلومتر ۴ جاده آبعلی، روبه روی خیابان سازمان آب، تلفن: ۷۷۳۳۹۰۹۳
■ طوطی: خیابان مصطفی خمینی، بعد از چهارراه سرچشمه، پلاک ۶۹، تلفن: ۳۳۹۲۱۴۴۱
■ گلریز: جاده قدیم کرج، فتح ۱۷، پلاک ۲۹، تلفن: ۷-۶۶۸۲۲۳۴۶

روزنامه شرق

سال سوم ■ شماره ۸۱۳ ■ پنج شنبه ۲۹ تیر ۱۳۸۵ ■ ۲۴ جمادی الثانی ۱۴۲۷ ■ ۲۰ جولای ۲۰۰۶

آبادان	+۳۳+۴۷	بیرجند	+۱۹+۳۳	سنندج	+۱۹+۳۸	همدان	+۱۷+۳۸
اراک	+۱۹+۳۵	تهران	+۲۳+۳۷	شهرکرد	+۱۶+۳۴	یاسوج	+۲۲+۳۵
اردبیل	+۱۷+۲۸	تبریز	+۱۵+۳۱	شیراز	+۲۳+۳۷	یزد	+۲۲+۲۸
ارومیه	+۱۸+۳۶	خرم‌آباد	+۲۳+۴۰	قزوین	+۱۷+۲۹	دبی	+۲۹+۴۰
اصفهان	+۱۷+۳۵	رشت	+۲۳+۲۹	کرمان	+۱۷+۳۱	نجف	+۳۲+۴۵
اهواز	+۳۱+۴۸	زاهدان	+۲۰+۳۳	کرمانشاه	+۱۹+۴۰	مکه	+۳۱+۴۲
ایلام	+۲۵+۳۹	زنجان	+۱۶+۳۴	کاشان	+۲۰+۴۰	مدینه	+۲۶+۴۲
بجنورد	+۲۰+۳۴	زابل	+۲۷+۲۱	کیش	+۳۳+۳۸	لندن	+۱۷+۲۹
بندرعباس	+۳۰+۴۶	ساری	+۲۴+۳۲	گرگان	+۲۴+۴۱	پاریس	+۱۹+۳۳
بوشهر	+۳۳+۳۵	سمنان	+۲۲+۳۶	مشهد	+۲۰+۳۳	استانبول	+۱۶+۲۴

تهران: اذان ظهر ۱۰ : ۱۲ اذان مغرب ۴۰ : ۱۹ اذان صبح فردا ۱۹ : ۳

ادامه سرمقاله

کمیسیون فرهنگی مبارزه با مفاسد اجتماعی در وزارت کشور ساعت‌ها به بحث و تبادل نظر پرداخت، الگوها و مدل‌های مختلف حجاب عرضه شد. شورای فرهنگ عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ساعت‌ها به بحث و گفت‌وگو پرداخت. شورای فرهنگی - اجتماعی زنان به عنوان اولین نهاد سیاستگزار و برنامه‌ریز در مسائل فرهنگی و اجتماعی زنان طرح توسعه فرهنگ عفاف را تهیه کرد و به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رساند. مجلس شورای اسلامی طرح ساماندهی مد و لباس را در دستور کار دارد و نیروی انتظامی طی تحولات و تطورات مدیریتی خود هرساله در آستانه فصل گرما مانوری از برخورد با بدحجابی یا حفظ امنیت اجتماعی را با شیوه‌های نو و بدیع عرضه می‌کند، از قیچی کردن مانتوهای بلند خانم‌ها در دهه ۷۰ تا گشت ارشاد و هدیه دادن و لبخند زدن بر روی تصاویر زنان از تنها رسانه ملی طی سال‌های گذشته حاکی از تغییرات و حرکت‌های رفرمیستی در این رسانه است. تغییر لباس و آرایش زنان، روابط و دیالوگ‌های زنان و مردان همه و همه حاکی از یک جریان متغیر و متحول در این زمینه است. طیف وسیع و گسترده و البته متنوع نظرات و فتاوی علما و مراجع را در این مقوله نمی‌توان نادیده گرفت، از حرمت رانندگی زنان و وجوب ستر وجه و کفین تا اباحه نمایش سر بدون موی زنان.

تصمیمات سلیقه‌ای و اجتهادهای شخصی برخی از مدیران دستگاه‌ها را که نه در حوزه مسائل داخلی بلکه در مسائل حاکمیتی اعمال می‌شود از وجوه دیگر این مسئله است. به‌رغم این شعار حکومتی که «چادر حجاب برتر است اما حجاب در چادر متعین نیست» هنوز ورود زنان محجبه بدون چادر به برخی اماکن آموزشی، درمانی و حتی تفریحی ممنوع است. این در حالی است که در سال‌های گذشته در امر تبلیغ چادر آنچنان بد دفاع کردیم که نیاز به حمله نبوده است.

نقش‌های منفی زنان سطحی و کوته‌فکر، بداندیش و بدرفتار با حجاب چادر در فیلم‌ها و سریال‌ها ظاهر شدند. زنان بزهکار و مجرم برای مصاحبه‌های تلویزیونی مجبور به استفاده از چادر شدند، خاطره مصاحبه دو دختر منافق که در کشتن کشیش اصفهانی دست داشتند و با چادر مشکی در تلویزیون ظاهر شدند فراموش نشدنی است. این تلقی در ذهن دختران جوان و زنان این مرز و بوم به وجود آمد که شرط ارتقا به مسئولیت‌ها و پست‌های بالای اجرایی داشتن چادر به عنوان حجاب است و اگر عملکرد سه تن از بانوان نماینده مجلس ششم در حفظ کامل حجاب اسلامی اما بدون چادر نبود، این تلقی نادرست همچنان ادامه می‌یافت.

سیاسی کردن امر حجاب طی سال‌های گذشته وجه دیگری از این مسئله است. گروه‌های فشار و ذی‌نفوذ در دولت‌های گذشته از این اهرم به خوبی استفاده ابزاری کردند. همان زنانی که فساد و ابتذالشان مشام جامعه را آزار می‌داد در یک استحاله سیاسی به عفیف‌ترین و پاک‌ترین زنان جامعه تبدیل شدند تا آنجا که حضور آنها در ورزشگاه‌ها می‌توانست موجب تضمین امنیت اجتماعی و اخلاقی در آن محیط باشد. راستی چگونه است که حجاب همچنان به عنوان یک «مسئله» در کشور ما یعنی در جمهوری اسلامی باقی مانده است؟ در حالی که روزبه‌روز بر تعداد زنان محجبه در کشورهای مصر، سوریه و لبنان و حتی کشورهای اروپایی افزوده می‌شود و گرایش زنان به اسلام و طبیعتاً حجاب در حال رشد است. در سال ۸۳ در اجلاس جهانی زن در سازمان ملل هشت رئیس هیات زنان با حجاب در پشت تریبون مجمع عمومی سازمان ملل سخنرانی کردند در حالی که در سال ۷۶ تنها دو کشور (ایران و برونئی) با حجاب بودند. بالاخره باید روشن شود که آیا حجاب یک امر اعتقادی است یا یک امر حکومتی است؟ بر حسب اینکه چگونه و از چه منظری به این موضوع بنگریم نتیجه متفاوت می‌شود. آیا مراکز دینی و دستگاه‌های مذهبی باید در جهت تقویت باورهای اعتقادی جامعه تلاش کنند و یا اینکه مکانیسم‌های الزام‌آور اجتماعی و قانونی باید در جهت حفظ و رعایت آن بکوشند؟ آیا باید فرهنگ عمومی جامعه نسبت به این موضوع اصلاح شود و یا تعزیرات حکومتی براساس تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی اجرا شود؟ آیا با وضع قوانین و مقررات باید به این موضوع پرداخت و یا تشدید مجازات را در دستور کار قرار داد؟ انتظار ما از جامعه اسلامی چیست؟ چه درصدی از زنان جامعه با چه نوع حجابی مطلوب است؟ آیا در این زمینه وحدت نظری وجود دارد؟ از این فراتر آیا در رابطه با حد حجاب وحدت نظر موجود است؟ کلی گویی و استفاده از واژه‌های ابهام‌آمیز کفایت نمی‌کند. این چنین است که حجاب همچنان به عنوان یک «مسئله» باقی مانده است.

خبر آخر

میانجی اوپک به تهران می‌آید

حساب کتاب

رضا زندی: میانجی در تهران. مرد سیاه‌چرده اوپک هفته آینده در سفری منطقه‌ای به ایران می‌آید تا در شرایطی که قیمت نفت، رکورد تاریخی را به‌جا گذاشته با مقامات نفتی تهران مذاکره کند. ادموند داکورا مشاور رئیس‌جمهور نیجریه در امور نفت است. جایگاهی که معادل وزیر نفت سایر کشورها است. پس از بروز اختلاف بین ۱۰ عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) بیش از سه سال است که رئیس کنفرانس وزرا، به مدت یک‌سال در جایگاه دبیرکلی نیز می‌نشیند. داکورا از ژانویه ۲۰۰۶ به‌عنوان رئیس کنفرانس وزرا و دبیرکل این سازمان به مدت یک‌سال انتخاب شده است. وی قرار است در سفری دوره‌ای به عربستان، ایران، لیبی و کویت برود. یک مقام آگاه در وزارت نفت به شرق گفت: «آقای داکورا اواخر هفته آینده (پنجشنبه) به تهران می‌آید و ۲۴ ساعت در ایران می‌ماند.» خبرگزاری رویترز علت سفر داکورا را بررسی مسائل مربوط به افزایش قیمت نفت با توجه به افزایش بحران در خاورمیانه عنوان کرده است. دستور کاری که بیش از کسب هر نتیجه‌ای صرفاً یک مانور سیاسی تلقی می‌شود. چه همه اعضای اوپک با حداکثر توانشان در حال تولید نفت هستند و بیش از یک میلیون بشکه از سقف تولید ۲۸ میلیون بشکه‌ای نیز اضافه تولید دارند. وانگهی پیشنهاد آمادگی عرضه رزرو دو میلیون بشکه‌ای سال گذشته اوپک و استفاده نکردن از آن نشان داد که به لحاظ عرضه و تقاضا بازار نفت دچار کمبود نیست. کشور داکورا (نیجریه) به لحاظ مناقشات داخلی هنوز ۴۰۰ هزار بشکه کمتر از ظرفیت خود تولید می‌کند. در شرایطی که بهای سبد نفتی اوپک به ۷۰ درصد رسیده و نفت وست تگزاس نیز به بشکه‌ای ۷۴ دلار معامله می‌شود «داکورا» می‌خواهد از خود خاطره‌ای تاریخی به‌جای گذارد.

درست مانند سلفش، لقمان که به جهت توانمندی‌هایش شش سال پیاپی دبیرکلی اوپک را در نیجریه نگه داشت «ادموند داکورا» می‌خواهد با سفر به کویت و ایران مناقشه دبیرکلی بین این دو کشور را حل کند. کویت سه سال است که عدنان شهاب‌الدین (نماینده این کشور در اوپک) را کاندیدای دبیرکلی کرده و ایران نیز محمدهادی نژادحسینیان را برای این پست پیشنهاد کرده است. براساس اساسنامه اوپک همه تصمیمات این سازمان می‌بایست با اجماع اتخاذ شود. از این‌رو است که داکورا بنا دارد نظر تهران یا کویت را بر روی یک کاندیدا جلب کند. ایران پیش از این بارها اعلام کرده بود که حاضر نیست از حق‌اش برای دبیرکلی اوپک عقب‌نشینی کند. پس از اینکه نماینده گابن در اوایل دهه ۶۰ دبیرکلی اوپک را براساس حروف الفبا تجربه کرد اعضای این سازمان اجازه چرخش دبیرکلی براساس حروف الفبا را ندادند. چه ایران که می‌بایست بر کرسی دبیرکلی تکیه زند درگیر جنگ بود. در آن دوره نمایندگان غیرمشهوری نظیر خردمند و نصیر (از مدیران ارشد نفت) به اوپک پیشنهاد شدند که هیچ کدام نتوانستند جلب نظر کنند. بعد از آن هم شرایط سیاسی ایران هیچ‌گاه اجازه کسب چنین جایگاهی را به ایران نداد. ولو کاظم‌پور اردبیلی نیز کاندیدای ایران شده باشد. اما ماموریت دوم دبیرکل موقت اوپک ایجاد مصالحه بین عربستان و لیبی است. این دو کشور بر سر تشکیل اجلاس سران اوپک به اختلاف رسیده‌اند. ریاض حاضر نیست اجلاس سران در لیبی برگزار شود. آیا مرد سیاه‌چرده اوپک می‌تواند آرامش را به این سازمان برگرداند.

تصادف پلیس بزرگراه

خیابان

مهدی افروزمنش: سکانس‌های تصادف سریال تلویزیونی پلیس بزرگراه را تجسم کنید. همان تصادف‌های گروهی که طی آن چندین و چند خودروی آخرین مدل شرکت‌های بنز و بی‌ام‌و و فولکس‌واگن درب و داغان می‌شدند و تنها و تنها خودروی پلیس بزرگراه از مهلکه جان سالم به‌در می‌برد. اصولاً کارکرد پلیس بزرگراه این اتفاق را توجیه می‌کند. آنها وظیفه دارند به‌صورت نامحسوس تخلفات رانندگی اعم از سرعت‌های غیرمجاز، سبقت‌های غیرمجاز، حرکات مارپیچ و غیره را رصد کرده و با متخلفان برخورد کنند. این نوع پلیس برای نخستین‌بار و فقط چند روز قبل در ۱۲ استان ایران نیز آغاز به کار کردند. البته نه با الگانس‌های آخرین مدل شرکت مرسدس بنز بلکه با زانتیاهای شرکت فرانسوی. این پلیس‌ها نیز همچون همکاران خارجی‌شان وظیفه برخورد با متخلفان را برعهده داشتند که چند روز قبل در اولین حرکت موفق به نجات «مهسا» دختر جوانی شدند که توسط چند خلافکار در صندوق عقب یک خودرو محبوس شده بود. اما در جدیدترین حرکت برخورد یکی از این خودروهای پلیس با یک دستگاه پیکان سواری در بزرگراه شهید بابایی به مجروح شدن ۵ نفر منجر شد. به گزارش خبرگزاری فارس این سانحه زمانی رخ داد که خودرو زانتیای پلیس بزرگراه با سرعت زیادی در حال حرکت بود. به گفته رئیس مرکز اطلاع‌رسانی نیروی انتظامی تهران بزرگ علت این سانحه هنوز مشخص نشده است و کارشناسان در حال بررسی هستند. شاید طی این تحقیقات این نکته هم روشن شود که علت سرعت زیاد خودروی پلیس بزرگراه چه بوده است. این مسئله مهم است چون معاونت راهنمایی و رانندگی ناجا در روز افتتاح این گشت‌های نامحسوس بزرگراهی یکی از اهداف آنها را کنترل سرعت اعلام کرده بود.

یک نفر این دزد دریایی را بگیرد

سینما

وصال روحانی: قسمت دوم «دزدهای دریایی کارائیب» همچنان به فروش نجومی‌اش ادامه می‌دهد و در سه روز آغازین این هفته هم ۶۲/۲ میلیون دلار فروخت تا برای دومین هفته متوالی در صدر پرفروش‌ترین فیلم‌های سینمایی آمریکا و کانادا بنشیند. این فیلم که مثل فیلم نخست از بازی جانی دپ در رل اصلی (یک دزد دریایی ماجراجو به نام کاپیتان جک اسپارو) بهره می‌برد و «سینه مرد مرده» نام‌گذاری شده، از روز نخست اکرانش تا به حال (۱۵ روز) فروشی معادل ۲۷۹ میلیون دلار داشته و به این ترتیب بدل به پرفروش‌ترین فیلم امسال نیز شده است. در این راه دزدهای دریایی کارائیب ۲ «فیلم مردان ایکس ۳» را که طی هشت هفته و نیم ۲۳۶ میلیون دلار فروخته، پشت‌سر گذاشته و به یک رده زیردست خود فرستاده است. قسمت جدید ماجراجویی‌های کاپیتان اسپارو در کشورهایی به جز آمریکا و کانادا نیز تا به حال ۱۵۵ میلیون دلار سود به بار آورده است. با این حال انتظار چیزی جز رکوردشکنی را از دپ و به واقع فیلمی که مانند قسمت نخست‌اش از کارگردانی گوروربینسکی بهره می‌گیرد، نداشته باشید، زیرا این فیلم در سه روز نخست اکرانش هم ۱۳۵/۶ میلیون دلار فروش کرده بود تا رکورد سینمای آمریکا را در زمینه فروش طی چنین مدت کوتاهی بشکند. حدنصاب پیشین در این زمینه ۱۱۴/۸ میلیون دلار بود که «اسپایدرمن ۱» طی سه روز اول نمایش‌اش در سال ۲۰۰۲ برجای نهاده بود. وربینسکی با یاری دپ، اورلاندا و بلوم و کایرا نایت‌لی دیگر بازیگران عمده فیلم پایان پرتعلیقی را برای «دزدهای دریایی کارائیب ۲» فراهم آورده است. پایانی چنان پرتاثیر که از حالا برای دیدن قسمت سوم فیلم انتظار خواهد کشید. این قسمت در اواخر اردیبهشت‌ماه سال آینده اکران خواهد شد و همین حالا قسمت عمده‌ای از کارهای آن انجام پذیرفته است. آخرین تخمین این است که این فیلم تا یکشنبه آینده یعنی سه روز بعد، از رقم ۳۱۰ میلیون دلار فروش در آمریکا هم عبور خواهد کرد. این در حالی است که کل فروش قسمت اول فیلم در این کشور از ۳۰۵ میلیون دلار فراتر نرفت. یک نفر این دزد دریایی (جانی دپ) را بگیرد!

چه خبر

فروغ یک مرده

مرگ آن قدرها هم برای جانی کش خواننده معروف آهنگ‌های محلی آمریکا گران تمام نشده است، زیرا این هفته یک آلبوم جدید حاوی کارهای «قبلاً پخش نشده» او در صدر جدول آلبوم‌های موسیقی پرفروش این کشور نشست و دست‌پخت‌های جدید آدم‌های زنده را پشت سر نهاد. این درحالی روی می‌دهد که قدری بیش از سه سال از مرگ «کش» (در ۷۱ سالگی‌اش) می‌گذرد. اواخر تابستان سال پیش هم یک فیلم سینمایی پیرامون زندگی و دستاوردهای هنری جانی کش با نام «Walk The Line» با توفیق و فروش چشمگیری مواجه شد و جواکین فینیکس که نقش کش را در فیلم ایفا کرده بود تا یک قدمی فتح جایزه اسکار هم پیش رفت.

عجایب قرن

یک کشیش آمریکایی که نامش دریل آر. پیبلز است اخیراً از طریق Search در اینترنت کشف کرده است که یک آدم کاملاً «هم‌اسم» با او در ایالت تاسمانیای استرالیا زندگی می‌کند. تعجب او زمانی بیشتر شد که فهمید شباهت‌های دیگری نیز بین آنان وجود دارد. پیبلز استرالیایی درست مثل نسخه آمریکایی‌اش در سال ۱۹۴۹ به دنبال آمده، مانند او سه بچه دارد و سال تولد هر سه فرزند آنان کاملاً یکی است(!) و اگر باز تعجب نکرده‌اید، پدران هر دویشان نیز شغل‌های مشابهی داشته‌اند. در ضمن هر دو پیبلز عاشق موسیقی و علم اخترشناسی هم هستند. هنوز هم متعجب نشده‌اید؟

یک پارچ آب ۱۷۰ هزار دلاری

یک پارچ آب قرن هجدهم که ۶۰ سال پیش به یک زن کارگر چینی به عنوان یک شیء عادی هدیه داده شده بود این هفته ۱۷۰ هزار دلار نصیب خانواده وی کرد. تازه این هفته مشخص شد پارچ ظاهراً بی‌ارزش که سال‌ها روی طاقچه خانه آنان قرار داشته و به یک دکور برای دستگاه تلویزیون خانواده بدل شده بود، در اصل و حقیقت یک شیء عتیقه و بسیار پرارزش و مربوط به عصر کیان لونگ در کشور چین می‌شده است. این چنین بود که پارچ آب ذی‌قیمت را به حراجی معروف و شیک بونهام در لندن فرستاد و آنجا یک فقره چک نه چندان بی‌ارزش به قیمتی که گفتیم تقدیم نماینده خانواده آن زن که سال‌ها است دیگر در قید حیات نیست، شد.

اولین نمایشگاه پوشش اسلامی

عکس روز

رضا معطریان

اولین نمایشگاه پوشش اسلامی توسط سه ارگان دولتی همزمان در دو نقطه تهران برگزار شده است. نیروی انتظامی، استانداری و وزارت کشور که هیچ کدام متولی امور فرهنگی نیستند، برگزارکنندگان این نمایشگاه بودند.

معرفی هیات‌مدیره جدید خانه سینما

امیر قادری: بالاخره هیات‌مدیره جدید خانه سینما معرفی شد و رضا میرکریمی و علی معلم و کامران ملکی به ترتیب به‌عنوان رئیس و نایب‌رئیس و دبیر و سخنگوی این هیات انتخاب شدند. خانه سینما نمونه کوچک‌تر یک جامعه مدنی است که به وسیله قشر فرهیخته این اجتماع، یعنی چند تن از سینماگران این کشور شکل گرفته است. یعنی نه فقط کارکرد صنفی دارد، که می‌تواند به‌عنوان نمونه و الگوی چنین تشکلی در سطح کشور مطرح شود. میرکریمی و معلم را از نزدیک می‌شناسم. بلند پروازند و نقشه‌های فردی و اجتماعی فراوانی دارند. بعید است اگر در این شرایط کسی با آنها گفت‌وگو کند، پذیرش این مقام را تنها عمل به وظیفه و از این‌جور چیزها قلمداد کنند. آنها شور و اشتیاق انسانی را برای پذیرفتن چنین مقامی دارند و انگیزه‌های فراوانی که در تولیدات سینمایی قبلی‌شان خودش را نشان داده است. فعلاً به آدم‌هایی نیاز داریم که شور و انگیزه و دانایی آنها را به جلو براند، نه عمل به وظیفه‌ای که در نهایت به یک‌جور منت گذاشتن ختم شده است. آسیب‌های همیشگی هم که به هر حال در پیش روی این هیات‌مدیره است. این که میرکریمی و معلم و ملکی و باقی اعضای هیات‌مدیره بترسند و به‌عنوان متولیان اداره یک نهاد صنفی، بیش از حد خانه سینما را به کانون‌های قدرت بند کنند، یا برعکس کانون‌های قدرت را از این نهاد، متوقع کنند. اینکه آدم‌ها و نهادهایی که جای پای‌شان سفت شده، از رانت خانه سینما برای جلوگیری از ورود باقی استعدادها و پذیرش اعضای جدید استفاده کنند. اتفاقی که مثلاً در جریان تائید صلاحیت کارگردان‌های جوان در دوره‌های قبل افتاد. اینکه گرفتار شعارهای دهن پرکن و مبهم و غیرقابل توضیح شوند. از همان‌ها که نمونه‌اش در بیانیه‌ای که اخیراً به مناسبت انتخاب آنها صادر شد، آمده است. اینکه سقف آرزوهای هیات‌مدیره کوتاه باشد و به تولیدات و جشن و وضع قوانینی بخور و نمیر راضی باشند. گفتم که، حداقل در مورد این آسیب آخری، خیالم از میرکریمی و معلم راحت است، و این بلندپروازی خیالمان را از بابت بعضی چیزهای دیگر هم راحت می‌کند.

سینما

ماجرای وزیر نیرو و غول چراغ

روز دوشنبه مصرف برق ایران با ۲/۲ درصد افزایش نسبت به روز قبلش در شرایط هشدار قرار گرفت. ایرانیان ۳۳ هزار و ۲۲۹ مگاوات برق مصرف کردند که در مقایسه با سال قبل ۵/۳ درصد افزایش داشته است. آمار وحشتناکی خواهد بود اگر به اوج مصرف سال گذشته توجه شود. سال ۸۴، اوج مصرف در میانه مردادماه و در رقم ۳۲ هزار مگاوات اتفاق افتاد. وزیر نیرو دیروز در بین ائمه جماعات مساجد تهران حاضر شد تا ضمن تشویق مساجد به صرفه‌جویی در مصرف برق درباره خاموشی‌های روز دوشنبه کشور توضیح دهد: «امروز در دولت به من درباره خاموشی‌های شب گذشته شیراز توضیح دادند که تذکرات بجایی است اما باید گفت این خاموشی‌ها اجباری است و تحت اختیار ما نیست. زیرا شدت بالای مصرف برق موجب می‌شود مردم کشور در شهرهایی مانند جهرم، لار، جنوب کهنوج و جیرفت با خاموشی مواجه شوند.» دولت برقی را که برای خودش ۵۰ تا ۶۰ تومان تمام می‌شود به ۱۵ تومان به مردم می‌فروشد. وزیر نیرو نباید با این قیمت‌ها، انتظار صرفه‌جویی داشته باشد: «دولت سال گذشته ۵۰ میلیارد دلار به‌عنوان یارانه انرژی پرداخت کرد که ۲ هزار میلیارد تومان آن برای برق بوده است.» وزیر نیرو بر قول پیشین‌اش برای وارد مدار کردن ۵ مگاوات برق تا پایان سال جاری باز هم تاکید کرد: «این رقم در کل خاورمیانه، یک رکورد است.» سیدپرویز فتاح پیش‌بینی کرد اوج مصرف برق امسال به ۳۵ هزار مگاوات برسد: «برای تولید ۳۳ هزار و ۵۰۰ مگاوات آمادگی داریم و ۱۵۰۰ مگاوات باقیمانده را با کنترل فرکانس واردات و محدودیت منابع جبران می‌کنیم.» به گفته فتاح خاموشی‌های ۲۰ روز گذشته خوزستان رفع شده و تنها به صورت موضعی خاموشی اعمال می‌شود: «این کمبود ظرفیت‌ها عمدتاً در بخش انتقال است. به‌عنوان مثال شب گذشته با وجود هزار مگاوات ذخیره برق در شبکه سراسری، در جنوب به دلیل کمبود ۱۹۰ مگاوات مجبور به اعمال خاموشی شدیم.» کمبود سیمان باعث شده وزارت نیرو به واردکننده این محصول برای پروژه‌هایش تبدیل شود: «در حال حاضر برای ورود ۱۰۰ هزار تن سیمان به صورت آزمایشی اقدام کرده‌ایم.» از همه این حرف‌ها گذشته برای چندمین‌بار تاکید می‌کنیم که غول «خاموشی» از چراغ بیرون آمده است. تنها صرفه‌جویی هموطنان می‌تواند این غول را دوباره به چراغ بازگردانده و روشنایی را به همه ایران هدیه کند.

حساب کتاب

تنوع فیلم‌های ایرانی در دهلی

مینا اکبری، دهلی‌نو: پس از گذشت چند روز از جشنواره فیلم در دهلی‌نو به گفته منتقدان هنری در نشریه روزانه جشنواره، فیلم‌های ایرانی حاضر از تنوع بیشتری برخوردار هستند. دیگر فیلم‌های آسیایی که برای رقابت در بخش‌های مختلف انتخاب شده‌اند یا تحت تاثیر سینمای هنری اروپا هستند یا با توجه به موفقیت فیلم‌های پرهزینه چینی - هالیوودی سعی دارند با ساخت فیلم‌های عظیم و پرخرج قابلیت سینمای کشور خود را برای سرمایه‌گذاری مشترک به مهمانان و تهیه‌کنندگان حاضر در جشنواره نمایش دهند. فیلم «دره گل‌ها» ساخته پن نالین (Pen Nalin) که در افتتاحیه با سروصدای زیاد همراه بازیگران متعددش به نمایش درآمد و سعی در نمایش یک افسانه بومی داشت از همین دست فیلم‌ها بود که بیننده‌ها را یاد ترکیب فیلم‌های چن کایگه و فون کاروای می‌اندازد. با این تفاوت که این فیلم ریتم بسیار کندی در بازگویی قصه‌اش دارد. استقبال دانشجویان هندی از فیلم‌های متفاوت که در جشنواره‌های دهلی به نمایش درمی‌آید، باعث شده برگزارکنندگان به این باور برسند که مسیر مستقل و متفاوتی را به درستی در سینمای آسیا انتخاب کردند. این جشنواره در این سال‌ها سعی کرده آثاری انتخاب کند که مستقل و هنری بودن آنها از هالیوود و بالیوود محرز باشد.

دهلی

دروغ سوئدی

کرگدن نامه

سیدعلی میرفتاح

دوست عزیزی برایم نوشته بود که میرفتاح پاسخگوی پنجشنبه‌ها، هیچ دخلی به میرفتاح خادم حلقه مویدیه ندارد و حتی نمونه آورده بود که اگر مقالات شنبه‌ها را هم به حساب آوریم، ما با یک موجود چندشخصیتی مواجهیم... که البته پر بیراه هم نفرموده بود. اما فقط من نیستم که از بابت چندشخصیتی در جهان ملولم و بس که/ ملالت علما هم ز علم بی‌عمل است. اقتضای روزگار ما این است که جایی- دور از جان شما- خر پالان باشیم و جای دیگر در دالان. یک جا مقاله بنویسیم و حکم کنیم و ضد دموکراسی داد سخن سر دهیم و یک جای دیگر برای مخدومین بی‌عنایت خویش زغال حال بیاوریم و چای دم کنیم و یک پنجشنبه هم گوش شنوایی باشیم برای شنیدن درد دل‌ها و سنگ صبوری برای ناکامی‌ها و نامرادی‌ها. اگر نشریات مبتذل، از آن دست نشریاتی که داستان کلفت‌های فریب‌خورده و رها شده را پاورقی می‌کنند، این «سنگ صبور» را دست‌مالی نمی‌کردند و ضایعش نمی‌ساختند، بی‌تردید اصرار می‌کردم که نام ستون پنجشنبه‌ها بشود سنگ صبور، که بگذریم... اما نامه‌های شما.

■ سرکار خانم مریم میرفتاح از تهران

جای بسی سعادت و خوشوقتی است که همنام‌های خود را در گوشه و کنار این شهر بی در و پیکر پیدا کنم. نمی‌دانم شما از کدام طایفه میرفتاح‌ها هستید [...] برای روح بزرگوار پدر مرحومتان که همنام بنده است طلب مغفرت و علو درجات دارم و امیدوارم که در روز حشر که مثل بازی سولیتر همه همنام‌ها و هم‌خال‌ها و هم‌مشرب‌ها را پشت سر هم ردیف می‌کنند، هم‌قطار مرحوم پدرتان - سیدعلی میرفتاح - باشم. ابوالعلای معری- شاعر بزرگ عرب- رساله‌ای دارد به‌نام الغفران که بسیار خواندنی است. او در این رساله شرح سفر آخرت می‌کند و روحش همنشین ارواح شعرا و ادبایی می‌شود که ابوالعلا شیفته شعر و نگاه و منش آنها بوده است. این رساله را گیر بیاورید و بخوانید اما چیزی که می‌خواستم عرض کنم این بود که اگر آخرت حتی اندکی شبیه به این تصویر ابوالعلا باشد به همه‌مان بیش از آنچه فکر کنیم خوش می‌گذرد. هم‌صحبت سعدی و حافظ شدن و ملازمت با اولیاءالله، از آن سو حوریان گل اندام چشم‌انتظار... اللهم ارزقنا.

■ برادرم حمید مشتاق از اراک

مهندس عزیز، باور بفرمایید یادداشت شما را که دیدم ارادتم به اراک و اراکی‌ها بیشتر شد. قول می‌دهم همین که زهر هوا گرفته شد به هر زور و ضربی که شده، خودم را به عراق عجم برسانم و شخصم را برای آن زیرزمین بهشتی که وصف کردید وعده بگیرم اما چیزی که هست و باید بگویم این است که حق با شما است. دروغ، پدر صاحب بچه این سرزمین را در آورده است. کتیبه داریوش را ترجمه کرده‌اند و گفته‌اند که او خاضعانه از یزدان پاک تقاضا کرده که سرزمین پرمهر ایران را از دروغ و قحطی در امان بدارد. از این فرمایش داریوش می‌شود چنین استنباط کرد که دروغ از دیرباز بر این سرزمین حکم رانده و بر چیدن بساط دروغگویی کار یک شب و دو شب و یک نفر و دو نفر نیست. یک بار نوشتم و حالا به این بهانه تکرار می‌کنم که امروز روز، ما با دروغ‌هایی سر و کار داریم که پشتشان هیچ انگیزه‌ای نیست. شخص محترم کذاب از این دروغ‌هایی که می‌بافد هیچ طرفی بر نمی‌بندد و به هیچ مقامی دست نمی‌یابد. چیزی است به قاعده «هنر برای هنر». اسم دروغ برای دروغ را گذاشته‌اند دروغ سوئدی که خداوند زین مایه شر حفظ کند نوع بشر را. به رفقای اراکی‌ات بگو دست از این دروغ‌های سوئدی بر دارند و سر «صفر کله زن» را درد نیاورند. زیاده جسارت، ایام به کام.

ادامه تیتر یک

معرفی الگوی پوشش اسلامی

وی همچنین تصریح کرد: «با توجه به اینکه به مناسبت تولد حضرت زهرا(س) این نمایشگاه برگزار شده است فضای داخلی این مجموعه از دیزاین و طراحی قشنگی برخوردار نبود. برگزارکنندگان باید توجه می‌کردند که برنامه‌های جنبی این نمایشگاه خیلی مهم بود که می‌توانست به عنوان حاشیه نمایشگاه جذابیت زیادی برای رفتن به نمایشگاه ایجاد کند.»

این کارشناس مسائل فرهنگی در ادامه افزود: «برگزاری این نمایشگاه فقط توسط نیروی انتظامی جالب نیست و باید مجموعه‌های فرهنگی در این زمینه همکاری می‌کردند مثل کمیسیون فرهنگی مجلس، سازمان تبلیغات اسلامی، شورای انقلاب فرهنگی زنان و مجموعه‌های دیگر.» ولی در مورد بالا بودن قیمت اقلام موجود در نمایشگاه عنوان کرد: «قیمت‌ها بسیار بالا بود هر چند که لباس‌های ارائه شده از سادگی خاصی برخوردار بود و بعضی بدون خرید محل را ترک می‌کردند.» ضعف اجرایی در برگزاری این نمایشگاه اما از دید برگزار کنندگان آن هم دور نماند چنانچه سردار احمدی‌مقدم فرمانده نیروی انتظامی که روز افتتاحیه نمایشگاه «ریحانه» در مراسم حضور داشت به خبرنگاران گفت: «من مسئول طرح و مدل لباس‌های عرضه شده در این نمایشگاه نیستم، چرا که این کالاها را بخش خصوصی و تولیدکنندگان جمع‌آوری کرده و ما تنها برای این افراد حدودی را طراحی کردیم و آنان نیز ملزم به رعایت بودند.» از دیگر سو بسیاری از طراحان لباس عنوان می‌کنند که از برگزاری چنین نمایشگاهی مطلع نشده و هم‌اکنون که پایان نمایشگاه نزدیک است قصد دارند از این دو نمایشگاه بازدید کنند. چنانچه از گفته قندفروش که به صراحت بیان می‌کند در مراسم افتتاح اولین «شو زنده پوشش اسلامی» بیشتر از خبرنگاران خارجی دعوت شده است و تنها چهار خبرنگار داخلی حضور داشته‌اند می‌توان فهمید که چرا طراحان لباس و مد نیز از چنین حرکتی آگاه نشدند.

۲۲۰۱۴۰۱۰
نیازمندیهای شرق
انتخاب اول